**وقف دعا باشید**

رومیان ۱۲:۱۲

در امید، مسرور؛ و در مصیبت، صابر؛ و در دعا مواظب باشید.

هدف من از پیغام امروز، که هدفی ساده، اما از نظر انسانی محال می‌باشد، این است که همۀ شما در سال ۲۰۰۳، وقف دعا باشید. هدف من این است، چرا که کتاب‌مقدس ما را به این مهم فرا می‌خواند. رومیان ۱۲:۱۲؛ یعنی آیه‌ای که امروز قصد بررسی آن را دارم، حلقه‌ای از زنجیر طولانیِ فرامین و نصیحتهای ذکر شده در فصل ۱۲ از رسالۀ رومیان می‌باشد. این آیه می‌فرماید که ما باید «در امید، مسرور؛ و در مصیبت، صابر؛ و در دعا مواظب» باشیم.

عبارت «در دعا مواظب باشید»، در برخی نسخه‌ها، «ثابت قدم در دعا»، یا «امین در دعا» ترجمه شده است، که همۀ این عبارات، به نوعی جنبه‌ای از معنای «وقف شدن» را انتقال می‌دهند. «وقف شدن»، ترجمۀ مناسبی بوده، و همان واژه‌ای است که در زبان یونانی، در انجیل مرقس ۳:‏۹ به کار رفته، و می‌فرماید: «[عیسی] به شاگردان خود فرمود تا زورقی به سبب جمعیت، به جهت او نگاه دارند، تا بر وی ازدحام ننمایند.» آن قایق، کنار گذاشته شد؛ یعنی وقف گردید، تا عیسی را از هجوم جمعیت دور نگاه دارد. «وقف گردید»، یعنی برای انجام کاری، اختصاص یافت؛ و برای انجام آن تعیین گشت.

قایقها به منظوری اختصاص می‌یابند؛ و خودشان کاری انجام نمی‌دهند. حال آنکه اختصاص یافتن انسانها به این شکل نیست. مفهوم وقف شدن، و اختصاص یافتن در مورد انسانها، فقط به معنای تعیین گشتن و گماشته شدن نیست، بلکه منظور این است که آن شخص می‌بایست به کاری که برایش مقرر شده، مشغول باشد؛ و در آن پیش رود. برای نمونه، وقتی پولس در رومیان ۱۳:‏۶، دربارۀ نقش دولتها صحبت کرده، و می‌گوید «زیرا که به این سبب باج نیز می‌دهید، چون که [دولتها] خدّام خدا، و مواظب در همین امر هستند»، یعنی اینکه خدا نه تنها دولتها را برای انجام کاری تعیین می‌نماید، بلکه دولتها نیز خود را به آن کار می‌سپارند.

نکتۀ قابل توجه در مورد واژۀ «وقف شدن» آن است که از ده مرتبه‌ای که این واژه در عهد‌جدید استفاده شده، پنج مرتبۀ آن در مورد دعا به کار رفته است. آیات دیگری که در کنار رومیان ۱۲:۱۲، به این واژه اشاره کرده‌اند، عبارتند از:

* اعمال رسولان ۱:‏۱۴ (پس از صعود عیسی، همان زمان که شاگردان در اورشلیم، به انتظار نزول روح‌القدس بودند): «جمیع اینها با زنان، و مریم؛ مادر عیسی، و برادران او، یکدل در عبادت و دعا مواظب می‌بودند».
* اعمال رسولان ۲:‏۴۲ (نخستین ایمانداران در اورشلیم)، «در تعلیم رسولان، و مشارکت ایشان، و شکستن نان، و دعاها مواظبت می‌نمودند».
* اعمال رسولان ۶:‏۴ (رسولان می‌گویند): «اما ما خود را به عبادت، و خدمتِ کلام خواهیم سپرد».
* کولسیان ۴:‏۲ (پولس خطاب به همۀ ما می‌گوید): «در دعا مواظب باشید؛ و در آن با شکرگزاری بیدار باشید».

پس با توجه به آیات کتاب‌مقدس، می‌توانیم بگوییم که روال طبیعی زندگی مسیحی، این است که وقف دعا باشد؛ و شما نیز در آستانۀ سال ۲۰۰۳ باید از خود بپرسید که «آیا من وقف دعا هستم؟»

اما وقف دعا بودن بدین معنا نیست که جز دعا، کار دیگری انجام ندهید، همان‌طور که سرسپرده و وقف همسر بودن بدین معنا نیست که به جز همسرداری، به هیچ کار دیگری نپردازید، بلکه سرسپردگیِ هر شخص به همسرش، بر همۀ ابعاد زندگی او اثر گذاشته، و سبب می‌شود که به شکلهای مختلف، خود را وقف همسرش سازد. بنابراین، وقف دعا بودن به این معنا نیست که جز دعا، به هیچ کار دیگری مشغول نباشید (هرچند که پولس در جای دیگر می‌گوید: «همیشه دعا کنید» اول تسالونیکیان ۵:‏۱۷). این بدان معناست که برای دعا کردن قاعده‌ای وجود دارد، که به نظر می‌رسد همانا وقف دعا بودن باشد. اگرچه همه به یکسان وقف نخواهند بود، ولی بسیار مهم و حیاتی است که همه خود را وقف نمایند. فرق است میان وقف بودن، و وقف نبودن؛ و خدا بر این تفاوت واقف است؛ و ما را جوابگو می‌داند که آیا وقف دعا بوده‌ایم؟ آیا در زندگی شما قاعده‌ای برای دعا کردن وجود دارد که به طور مشخص بتوان آن را «وقف دعا بودن» نامید؟

من فکر می‌کنم اغلبِ ما در این موضوع تفاهم داریم که شکلهایی از دعا کردن وجود دارند که نمی‌توان آنها را «وقف دعا بودن» نامید. دعا کردن فقط به هنگام بحرانها و دشواریهای زندگی، «وقف دعا بودن» به حساب نمی‌آید. دعا به هنگام صرف غذا، یک قاعده است، اما آیا با نصیحت پولس به کلیسا، که «در دعا مواظب باشید»، همخوانی دارد؟ و چه بسا که دعای کوتاه و مختصر پیش از خواب نیز «وقف دعا بودن» به حساب نمی‌آید. این «وقف دعا بودن» نیست که یک خط در میان دعا کنیم، این «وقف دعا بودن» نیست که وقتی به دنبال جای پارک برای ماشینتان می‌گردید، دعا کنید و از خدا کمک بخواهید. البته همۀ این دعاها خوب است، ولی فکر می‌کنم همۀ ما موافقیم که وقتی پولس می‌گوید: «در دعا مواظب باشید»، چیز بیشتر و متفاوت‌تری را از پیروان مسیح انتظار دارد.

اما با توجه به همۀ این گفته‌ها، نباید فراموش کنیم که همان‌طور که هفتۀ پیش بررسی نمودیم، صلیب مسیح؛ یعنی مرگ او به جای گناهکاران، شالوده و زیربنای همۀ دعاهاست. اگر مسیح به جای ما جان نداده بود، هیچ پاسخ قابل قبولی وجود نمی‌داشت که چرا، و چگونه دعا کنیم. به همین دلیل است که ما «در نام عیسی» دعا می‌کنیم.

وقتی موانع موجود بر سر راه دعا کردن را سبک و سنگین می‌کردم، تا ببینم به کدام‌یک از آنها باید اشاره کنم، متوجه شدم که می‌توان برخی از موانع را در زیرمجموعۀ این پرسش قرار داد که «چرا دعا کنیم؟»؛ و برخی را در زیرمجموعۀ این پرسش که «چگونه دعا کنیم؟». امروز می‌خواهم به «چگونه دعا کردن» بپردازم. نه اینکه پرسشِ دیگر مهم نباشد، ولی به نظرم می‌رسد می‌توانیم همۀ دلایل الهیاتی که نشان می‌دهند چرا باید دعا کنیم را ارائه دهیم؛ و باز هم نسبت به دعا کردن، سهل‌انگار و بی‌توجه باشیم. پس به این پرسش که چرا دعا کنیم، پاسخی مختصر داده، و سپس به این پرسش عملی می‌پردازم که چگونه دعا کنیم؛ و دعایم این است که این بررسی، شما را برانگیزد تا در سال ۲۰۰۳، جرأت کرده، و به مرحلۀ تازه‌ای از «وقف دعا بودن» برسید.

**چرا دعا کنیم؟**

مطلبم را با سه پاسخ مختصر به این پرسش آغاز می‌کنم، که چرا باید وقف دعا باشیم؟

۱. کتاب‌مقدس به ما می‌فرماید که دعا کنیم؛ و ما می‌بایست آنچه خدا می‌فرماید را انجام دهیم. نه فقط آیۀ نامبرده، بلکه آیات بسیاری وجود دارند که می‌فرمایند: «وقف دعا باشید.» اگر وقف دعا نباشیم، از کلام خدا نااطاعتی می‌کنیم؛ که این حماقت است و کاری خطرناک. اگر دعا کردن برایتان دشوار است، بدانید که طبیعتاً مثل بقیۀ ما، سقوط کرده و گناهکار هستید. پس بجنگید. به خودتان موعظه کنید. نگذارید که گناهانتان، و ضعفهایتان، و امیال دنیوی، بر شما چیره شوند. خدا می‌فرماید: «وقف دعا باشید.» پس برای این مهم بجنگید.

۲. نیازهای زندگی شما، خانوادۀ شما، این کلیسا، کلیساهای دیگر، خدمات بشارتی، و به طور کلی، نیازهای فرهنگ ما، عظیم و شدیدند؛ و در بسیاری موارد، پای بهشت و جهنم، ایمان و بی‌ایمانی، و مرگ و زندگی در میان است. آیا رومیان ۹:‏۲، و حزن و اندوه پولس برای خویشانش که در مسیر هلاکت بودند را به یاد می‌آورید؟ و به یاد می‌آورید که در رومیان ۱۰:‏۱، با چه جدیتی برای آنها دعا می‌کند؟ «ای برادران، خوشی دل من، و دعای من نزد خدا، به جهت اسراییل، برای نجات ایشان است.» وقتی دعا می‌کنیم، پای نجات ابدی در میان است. اگر بر این واقف نباشید که زندگی، میدان جنگ است، نمی‌توانید دریابید که چرا باید دعا کنید. یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه دعا، این است که زندگی روزمره برای بسیاری از ما، روان و بدون هیچ مشکلی پیش می‌رود. خط مقدم جبهه، جای دیگری است، اما اینجا در حبابِ کوچکِ آرامش و رضایتی که از آن برخوردارم، همه‌چیز آرام است. آه، باشد که خدا چشمانمان را بگشاید، تا نیازهای پیرامون خود، و نیاز عظیم به دعا را دیده، و احساس نماییم.

۳. سومین دلیل برای دعا کردن این است که وقتی دعا می‌کنیم، خدا عمل می‌کند؛ و کاری را که شاید ما در پنج سال انجام دهیم، او در پنج ثانیه به انجام می‌رساند. آه، سالهاست که من به این حقیقت پی برده‌ام! چه شگفت‌انگیز است که وقتی در حال آماده کردن موعظه هستم، یا در خصوص موقعیتی بحرانی مشاوره می‌دهم، یا در جلسۀ برنامه‌ریزی برای آینده حضور دارم، یا حتی در طی شهادت ایمان دیگران، بارها و بارها سر فرود آورم؛ و از خدا تمنا کنم؛ و ناگهان به راه‌حل، یا کشفی برسم که بدون دعا ممکن نمی‌بود. چه درس مهمی آموخته‌ام؛ و آن درس این است که وقتی به سبب کوهی از کار، که نمی‌دانستم چگونه انجامشان دهم، بی‌تاب و بیقرار می‌شدم که بی‌درنگ به کارم مشغول شوم، آن‌گاه، خود را مجبور می‌کردم که منطقی و بر مبنای کتاب‌مقدس پیش روم. پس قبل از شروع کار، زانو زده، دعا می‌کردم؛ و در حین دعا، راه‌حلها به ذهنم می‌آمد که چگونه به مشکلات رسیدگی کنم، چگونه پیغامم را شکل دهم، چگونه با بحرانی برخورد کنم، یا چگونه مشکلی الهیاتی را حل کنم؛ و همین باعث می‌شد که در ساعتها کار صرفه‌جویی کرده، و از کلافه شدن، و سر بر دیوار کوبیدن نجات یابم؛ و در پنج ثانیه به توضیح برسم! منظورم این نیست که خدا ما را از سختکوشی معاف می‌کند، بلکه منظورم این است که دعا می‌تواند پنج هزار مرتبه، کار شما را مفیدتر از زمانی سازد که خودتان به تنهایی انجامش می‌دهید.

گفتنی بسیار است، اما آن سه پاسخ به این پرسش که چرا باید دعا کنیم، از این قرارند: ۱) این حکم خداست که دعا کنیم؛ ۲) نیازها عظیمند؛ و ابدیت در میان است؛ ۳) وقتی دعا می‌کنیم، خدا عمل می‌کند؛ و اغلب، کاری که برای ما ساعتها، یا هفته‌ها، یا گاهی سالها به طول می‌انجامد را در چند ثانیه به انجام می‌رساند.

پرسشهای فراوانی دربارۀ دعا وجود دارد که در اینجا نمی‌توانم به آنها بپردازم. به همین دلیل است که در کتابهای «مشتاق خدا»، و «خشنودیهای خدا»، و «امتها شادی کنند»، فصلهایی طولانی به موضوع دعا اختصاص یافته است؛ و به همین دلیل است که کتاب «گرسنه برای خدا» نوشته شده است: «با دعا و روزه، مشتاق خدا باشید.» همچنین اگر به طور خاص، با این موضوع کلنجار می‌روید که چگونه باید در پرتوی آموزۀ برگزیدگیِ بی‌قید و شرط، برای نجات انسانها دعا کنید، مستقیماً به صفحات ۲۱۷-‏۲۲۰ از کتاب «خشنودیهای خدا» مراجعه نمایید.

**چگونه دعا کنیم؟**

اما در این زمان باقیمانده، می‌خواهم در این باره صحبت کنم که چگونه دعا کنیم؟ قصد من این است که شما را با مواردی عملی، و بر مبنای کتاب‌مقدس آشنا سازم، که شاید هیچ‌گاه به آنها توجه نکرده‌اید؛ و شاید هم سعی کرده‌اید که انجامشان دهید، ولی نتوانسته‌اید در آنها ثابت قدم بمانید؛ و به عبارتی نتوانسته‌اید «وقف دعا باشید».

تلاش من این است که به طور کلی، توضیح دهم که «وقف دعا بودن» به چه معناست، ولی نه اینکه آن را به روش خودم محدود کنم؛ و بگویم که این ختم کلام است.‌ ما همه کاملاً با یکدیگر متفاوتیم. برنامۀ کار و زندگی‌مان متفاوت است. خانواده‌هایمان متفاوتند. شرایط زندگی‌مان، و مطالبات روزمرۀ مربوط به آن، متفاوتند. همۀ ما به یک اندازه، از نظر روحانی بالغ نیستیم؛ و هیچ‌کس نیز یک شبه به بلوغ نمی‌رسد. آنچه در پنج سال آینده در راستای وقف دعا شدن انجام می‌دهید، باعث می‌شود به گذشته نگریسته، و حیران بمانید که چطور توانسته‌اید در آن سالهای بدون ثمر، دوام آورید. ولی همۀ ما می‌توانیم پیش رویم. پولس دوست داشت که به کلیساهایش نامه بنویسد و بگوید: «شما پیشرفت کرده‌اید، ولی بیشتر و بیشتر پیشرفت کنید» (فیلیپیان ۱:‏۹؛ اول تسالونیکیان ۴:‏۱، ۱۰)؛ و اگر جایی وجود داشته باشد که بتوانیم در آن «بیشتر و بیشتر پیشرفت کنیم»، همانا وقف شدنمان به دعاست.

به این منظور، پنج شیوۀ عملی برای دعا کردن را پیش رویتان قرار می‌دهم:

**۱. با ساختار، و بدون ساختار**

در اینجا می‌خواهم در خصوص تفاوت میان دعای با ساختار، و دعای بدون ساختار صحبت کنم. وقف دعا بودن به این معنا خواهد بود که گاهی بدون ساختار و چارچوب، و گاهی با ساختار و چارچوب دعا می‌کنید. اگر فقط و فقط بدون ساختار دعا کنید، چه بسا که دعایتان سطحی و بی‌مایه شود؛ و اگر فقط و فقط طبق ساختار و چارچوب دعا کنید، دعایتان ماشینی و توخالی می‌گردد. هر دو شیوه مهم هستند. هر دوی آنها، نه فقط یکی از آنها.

منظورم از بدون ساختار دعا کردن این است که پیوسته احساس می‌کنید که می‌خواهید روح و جان خود را در حضور خدا خالی نمایید؛ و همین را هم به‌جا می‌آورید. شما به هیچ نوشته، یا دستورالعمل، یا فهرست، یا کتابی نیاز ندارید. احتیاجات شما آن‌قدر زیادند که بدون هیچ ساختاری از پیش تعیین شده، آزادانه فوران می‌کنند. این خوب است. اگر چنین نباشد، باید به اصالت رابطه‌مان با مسیح شک کنیم. آیا واقعاً می‌توانید ازدواج، یا رابطۀ دوستی را تصور کنید، که تنها از روی فهرست، یا کتاب، با هم ارتباط برقرار نمایند؛ و یا فقط با متنهایی که به ذهن سپرده‌اند، با هم صحبت کنند؟ چنین رابطه‌ای بی‌نهایت مصنوعی خواهد بود.

از سوی دیگر، از شما تمنا می‌کنم فکر نکنید آن‌قدر از نظر روحانیْ عمیق، آن‌قدر مبتکر، آن‌قدر غنی، یا آن‌قدر با نظم و ترتیب هستید که می‌توانید بدون هیچ‌گونه ساختاری دعا کنید. من چهار گونه ساختار در نظر دارم؛ که امیدوارم بتوانید از آنها بهره ببرید.

**ساختار شماره یک: کتاب‌مقدس.** بر مبنای کتاب‌مقدس دعا کنید. کتاب‌مقدسی دعا کنید. این هفته، دعایمان را بر دعای رسالۀ افسسیان ۳:‏۱۴-‏۱۹ بنا می‌کنیم.

از این سبب زانو می‌زنم نزد آن پدر، که از او هر خانواده‌ای در آسمان، و بر زمین، مُسمّا می‌شود؛ که به حسب دولت جلال خود، به شما عطا کند، که در انسانیتِ باطنیِ خود، از روح او، به قوت زورآور شوید. تا مسیح به وساطت ایمان، در دلهای شما ساکن شود؛ و در محبت ریشه کرده، و بنیاد نهاده، استطاعت یابید که با تمامی مقدسان ادراک کنید که عرض و طول و عمق و بلندی چیست؛ و عارف شوید به محبت مسیح، که فوق از معرفت است، تا پر شوید، تا تمامی پُریِ خدا.

این آیات را حفظ کرده، و اغلب بر طبق آنها دعا کنید. طبق دعای خداوند دعا کرده، و هر عبارت را به زبان خود بیان نموده، و آنها را به کسانی ربط دهید که برایشان باری بر دل دارید. بر اساس فرامین کتاب‌مقدس دعا کنید: «ای خدا، به من، به همسرم، به فرزندانم، به رهبران کلیسا، به مبشران ما کمک کن، تا تو را به تمامی دل، و تمامی جان، و تمامی قوتمان محبت نماییم.» بر اساس وعده‌های کتاب‌مقدس دعا کنید: «ای خداوند، همۀ اقتداری که در آسمان و بر زمین از آن توست را به کار بگیر، تا مبشرانمان، شیرینی آن وعده را که فرمودی تا انقضای عالم، با آنها خواهی بود، چشیده و احساس کنند.» بر اساس هشدارهای کتاب‌مقدس دعا کنید: «ای خداوند، مرا عطا فرما تا با شهوت بجنگم؛ مرا عطا فرما تا با نظر به این ضرورت که تو تعلیم دادی، با شهوت بجنگم، چنان که فرمودی چشمت را درآوری و به بهشت بروی، بهتر از آن است که چشم داشته باشی و به جهنم بروی.» کتاب‌مقدس را جلوی خود گذاشته، آن را باز کنید؛ و بر اساس هر بند که می‌خوانید، دعا کنید، دعای توبه، یا حمد و ستایش، یا شکرگزاری، و یا بیان تقاضاها.

**ساختار شماره دو: فهرست.** بر اساس فهرست دعا کنید. من فهرستی از افراد، و فهرستی از نیازهایی که باید برایشان دعا کنم را در ذهن دارم. اگر بتوانید همۀ افراد، و همۀ نیازهایی که باید برایشان دعا کنید را بدون هیچ فهرستی به یاد آورید، شما خدا هستید. من باید فهرستی داشته باشم، برخی را در ذهنم، و برخی را بر روی کاغذ. من نام هفتاد نفر را به خاطر سپرده‌ام که هر روز برایشان دعا کنم. اما این فهرست، شامل افرادی نیست که به خدمات بشارتی مشغولند؛ و من و نوئل هر شب از روی فهرستی نوشته شده، برایشان دعا می‌کنیم. همچنین این فهرست، نام مبشرانمان را شامل نمی‌شود. حال آنکه برای آنها فهرستی دیگر دارم. ضمن اینکه این فقط فهرستِ دعا برای اشخاص است، نه برای نیازهایی که در روح و جان من، و در خانواده، و در کلیسا، و در جهان، هفته به هفته در حال تغییرند. پس شما را تشویق می‌کنم که فهرستی از اشخاص، و فهرستی از نیازها تهیه کنید. پوشه، یا دفترچه، یا پرونده‌ای از فهرست دعاها را در رایانۀ دستی‌تان داشته باشید. یادتان باشد که من اکنون فقط دربارۀ دعای با ساختار صحبت می‌کنم، حال آنکه ارزش دعای بدون ساختار را نیز از یاد نبرید. هر دوی آنها، نه فقط یکی از آنها.

**ساختار شماره سه: کتاب.** وقتی کتاب می‌خوانید، بر اساس آنچه خوانده‌اید، هر روز دعا کنید، مانند گروه‌هایی که خدمتشان این است که روزانه برای کشورهای مختلف، و آرمان مسیح در آنها دعا می‌کنند؛ و این چه شیوۀ عالی و شگفت‌انگیزی است، تا دلمان را به وسعتی رساند که برای جهان بتپد؛ و برای برترین بودن خدا رویا داشته باشد! یا مانند مجموعه کتابی به نام «بالاترین سرسپردگی»، که در هر بخش، چشمه‌ای از رنج و جفا بر کلیسا را به نمایش می‌گذارد؛ و شما آن را خوانده، و بر اساس آنچه می‌خوانید، روزانه دعا می‌کنید، به همین شکل نیز کتابی را انتخاب کرده، و بر اساس آنچه می‌خوانید، روزانه دعا کنید؛ و یا یکی از کتابهای من، به نام «امتها شادی کنند» را برداشته، به صفحات ۵۷-‏۶۲ مراجعه کنید؛ و بر اساس آن سی و شش موردی که کلیسای اولیه برای یکدیگر دعا می‌کردند، شما نیز دعا کنید؛ و یا کتاب «وادی رویا» را بخوانید، که کتابی است حاوی دعاهای مسیحیان معروف به «خالصان». آن را بخوانید؛ و در مورد همان اموری دعا کنید که مقدسان پیشین دعا می‌کردند. این بسی حماقت است که فکر کنیم بدون یاری گرفتن از کتابهای خوب، به تنهایی قادر خواهیم بود که به همۀ آنچه کتاب‌مقدس می‌فرماید، و به همۀ نیازهایی که باید برایشان دعا کنیم، پی ببریم.

**ساختار شماره چهار: قاعده.** قاعده‌ای را برای خود در نظر بگیرید، تا راهنمایی باشد که وقتی زانو زده و دعا می‌کنید، بدانید که باید به ترتیب چگونه دعا کنید. یک قاعده، همان‌طور که پیش از این اشاره کردم، این است که بر اساس تقاضاهای مطرح شده در دعای خداوند، دعا کنید. قاعده‌ای که من تقریباً هر روز از آن استفاده می‌کنم، «دایره‌های هم‌مرکز» نام دارد؛ بدین معنا که ابتدا از روح و جان خود شروع کرده، چرا که بار گناه، و نیازهایم را به وضوح احساس می‌نمایم؛ سپس برای خانواده‌ام دعا می‌کنم، بعد برای گروه شبانان و رهبران کلیسا، سپس برای همۀ کارکنان کلیسا، و بعد برای خدمات بشارتی‌مان، و سپس برای احتیاجات عمومی در بدن مسیح، و آرمان مسیح در خدمت بشارت، و در فرهنگ دعا می‌کنم. اگر چنین قاعده‌ای را پیش نگیرم، گویی که در جای خود یخ زده، و هیچ حرکتی نمی‌کنم.

پس نخستین شیوۀ دعا را «با ساختار، و بدون ساختار» می‌نامیم. دعای بدون ساختار، بدین معناست که در جریان سیّال ذهن، نیازها را بیان کرده، و شکرگزاری نموده، و خدا را بستاییم. اما دعای با ساختار، دعایی است که در آن، از کتاب‌مقدس، فهرستها، کتابهای روحانی، و قاعده‌ها کمک می‌گیریم. اگر «وقف دعا هستید»، هم با ساختار دعا می‌کنید؛ و هم بدون ساختار.

**۲. در خلوت، و در جمع**

وقف دعا بودن، به این معنا خواهد بود که پیوسته، هم به تنهایی دعا می‌کنید؛ و هم در جمع سایر مسیحیان.

آه چقدر مهم است که به واسطۀ عیسی مسیح، در خلوتِ خود، به حضور خدا برویم. اگر به واسطۀ عیسی، با خدا مشارکت نداشته باشیم، و شخصاً به او اعتماد نکنیم، مسیحیت معنایی نداشته، و چیزی جز پوسته‌ای توخالی، و خود نشان دادن، و ادعا نیست. سوزانا وِسلی، که دارای شانزده فرزند بود، عادت داشت که وقتی در آشپزخانه بود، پیشبندش را روی سرش بکشد؛ و همۀ بچه‌ها می‌دانستند که این به معنای سکوت در آشپزخانه بود. بچه‌ها باید بدانند که مامان و بابا، زمانهای خاصی را به عیسی اختصاص می‌دهند، که بچه‌ها نباید در آن زمانها مزاحم آنها شوند. جایی را پیدا کنید، زمانی را مشخص کنید؛ و به بچه‌ها نظم و ترتیب بیاموزید.

ولی فکر می‌کنم که دعا کردن در جمعِ دیگر ایمانداران، بیشتر از دعا در خلوت، نادیده گرفته می‌شود. هم در خلوت دعا کنید؛ و هم در جمع. عهد‌جدید سرشار از دعاهای دسته‌جمعی است. در واقع، بیشتر دعاها در عهد‌جدید، دعاهای دسته‌جمعی به حساب می‌آیند. اعمال رسولان ۱:‏۱۴: «و جمیع اینها با زنان، و مریم؛ مادر عیسی، و برادران او، یکدل در عبادت و دعا مواظب می‌بودند.» این شیوۀ معمول دعا در عهد‌جدید است. در اعمال رسولان ۱۲:۱۲ نیز هنگامی که پطرس از زندان بیرون آمد، «به خانۀ مریم؛ مادر یوحنای ملقب به مرقس آمد؛ و در آنجا بسیاری جمع شده، دعا می‌کردند.» جلسات دعا، امری عادی و معمول بود؛ و فکر می‌کنم که در کلیسای اولیه به یک معیار تبدیل شده بود.

شکی در این نیست که وقف دعا بودن در عهد‌جدید، دعا کردن با قوم خدا را نیز شامل می‌بود. شما در این زمینه چطور عمل می‌کنید؟ دعا در جمع، مسیحیت پیشرفته نیست. دعا در جمع، مبانی مسیحیت است. این هفته قرار است که ما دوازده جلسه دعای سی دقیقه‌ای، به اضافۀ هشت ساعت دعا در جمعه شب داشته باشیم. این جلسات شما را یاری می‌رسانند که به کشف و شهود تازه‌ای برسید. در طول سال نیز صبحِ هر شش روز هفته را به مدت نیم ساعت به جلسات دعا اختصاص خواهیم داد؛ و چهارشنبه‌ها ساعت پنج و چهل و پنج دقیقۀ غروب نیز در محل کلیسا دعا می‌کنیم. گروه‌های کوچکی هم وجود دارند که به منظور دعا و خدمت روحانی، گرد هم می‌آیند. یکشنبه صبح نیز، هم به همراه خواندن سرودهای روحانی، و هم به شکلهای دیگر دعا می‌کنیم. اگر جزیی از وقف شدنتان به دعا این نیست که در جلسات دعای دسته‌جمعی حضور داشته باشید، سال ۲۰۰۳ را سالی سرشار از کشفیات تازه بسازید. هم با ساختار دعا کنید، هم بدون ساختار. هم در خلوت دعا کنید؛ و هم در جمع.

**۳. مأیوس، و مسرور**

وقف دعا بودن، به این معنا خواهد بود که گاهی مأیوس و ناامید، و گاهی مسرور و دلشاد به حضور خدا می‌آیید. منظورم این است که هم با عمیق‌ترین حزن و اندوه و ترسهایتان، در دعا به حضور خدا می‌آیید؛ و هم با شادی عظیم و شکرگزاری. آن بالشی که وقتی روزانه در حضور پدر زانو می‌زنید، به زیر آرنجتان قرار می‌دهید، از قطرات اشک خیس خواهد بود. ولی از آنجا که خدا، خدایی است که دعا می‌شنود، شما نیز به همراه پولس رسول خواهید گفت: «محزون، ولی دایماً شادمان» (دوم قرنتیان ۶:‏۱۰)؛ و آن شادی، اغلب، بارهای این دنیای سقوط کرده را در هم می‌شکند؛ چنان که باید در هم شکند؛ و باعث می‌شود که از شدت شادی، جست و خیز نمایید. پدر می‌خواهد که در این زمانها نیز به حضورش بروید. در یأس، و در شادی، وقف دعا باشید. در روزه، و در جشن و سرور، وقف دعا باشید. نه فقط در یکی از این دو موقعیت، بلکه در هر دو موقعیت، وقف دعا باشید.

**۴. کوتاه، و بلند**

اگر وقف دعا هستید، پیوسته از حمد و پرستش، و شکرگزاری، و بیان احتیاجات، لبریز شده، دعا می‌کنید؛ حال آنکه شاید دعایتان بیش از چند لحظه طول نکشد؛ و اگر وقف دعا هستید، گاهی زمانی طولانی در حضور خداوند می‌مانید. من گاهی در تماس تلفنی‌ام با نوئل، خیلی کوتاه صحبت می‌کنم؛ و گاهی نیز کل غروب را در کنار هم سپری می‌کنیم. اگر مسیح را دوست دارید؛ و برای همه‌چیز به او متکی هستید؛ و او را بالاتر از هر چیز دیگر عزیز می‌دارید، گاهی مدت زمانی کوتاه را در حضورش سپری می‌کنید؛ و گاهی مدت زمانی طولانی‌تر در حضورش می‌مانید.

**۵. خودجوش، و از روی برنامه**

میان دعای «با ساختار، و بدون ساختار»، یا دعای «کوتاه، و بلند»، و دعای «خودجوش، و از روی برنامه» چه تفاوتی وجود دارد؟ در دعای «با ساختار، و بدون ساختار»، محتوای دعا مد نظرم است؛ بدین معنا که به هنگام دعا چه می‌کنیم. در دعای «کوتاه، و بلند»، مدت زمان دعا مورد نظرم است. اما منظورم از دعای «خودجوش، و از روی برنامه»، این است که چه وقت را برای دعا اختصاص می‌دهیم؟

اگر وقف دعا هستیم، در طی روز، به طور خودجوش دعا خواهیم کرد؛ یعنی چنان که پولس می‌گوید، همیشه دعا می‌کنیم. یعنی از روحیه‌ای برخوردارید که پیوسته می‌خواهید در مشارکت با مسیح باشید، در روح‌القدس سلوک نمایید؛ و واقف باشید که او پیوسته و شخصاً در زندگی‌تان حضور دارد. وقتی با مسیح سخن می‌گویید، نیاز به برنامه‌ریزیِ قبلی ندارید؛ و در طی روز، بارها و بارها با او سخن خواهید گفت. این طبیعی است و پسندیده. این وقف دعا بودن است.

ولی اگر فقط به این شکل دعا کنید، دیری نمی‌پاید که از آن دست بکشید. میوۀ پربار و واقعیِ دعای خودجوش، در باغی رشد می‌کند که با نظم و ترتیب و برنامه‌ریزی، به خوبی از آن مراقبت شده باشد. از این‌رو، از شما تمنا می‌کنم که زمان مشخصی را برای دعا در نظر بگیرید. برای سال ۲۰۰۳، برنامه‌ریزی کنید. به طور معمول، چه زمانی به حضور او می‌روید؟ چه مدت زمانی را کنار می‌گذارید؟ شما را تشویق می‌کنم که هر روزتان را به این شکل آغاز کنید. آیا مایلید که یک یا دو روز، یا یک یا دو نیمروز را به تنهایی، یا با یک دوست، یا با همسرتان، نه برای کتاب خواندن، بلکه برای چهار یا هشت ساعت دعا، اختصاص دهید؟ چگونه؟ کتاب‌مقدس را بخوانید؛ و بر اساس آنچه می‌خوانید، دعا کنید. من و نوئل، روزهای عالی و پرباری را به این شکل گذرانده‌ایم. کتابی مختصر را از کتاب‌مقدس انتخاب می‌کردیم، یک فصل از آن را می‌خواندیم، سپس بر طبق آنچه خوانده بودیم، برای خانواده، و کلیسا دعا می‌کردیم. سپس فصلی دیگر را می‌خواندیم و دعا می‌کردیم؛ و به همین شکل ادامه می‌دادیم. اما این‌گونه خواندن و دعا کردن، به طور خودجوش اتفاق نمی‌افتد، بلکه باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. این‌گونه دعا کردن، دعای خودجوش نیست، این‌گونه دعا کردن، دعای با ساختار است؛ و این‌گونه دعا کردن، باشکوه است.

پس اکنون می‌دانید که می‌خواستم دربارۀ چه چیزی با شما صحبت کنم. کلام خدا امروز برای ما این است: «در دعا مواظب باشید.» در دعا ثابت قدم باشید. در دعا امین باشید. چرا؟ زیرا خدا این را به ما حکم می‌کند. نیازها عظیمند؛ و ابدیت در میان است. خدا دعا را می‌شنود؛ و کاری را که شاید ما در پنج سال انجام دهیم، او در پنج ثانیه به انجام می‌رساند.

و چگونه وقف دعا باشیم؟ با رعایت همۀ این اصول، چرا که بدون این اصول، دعایی وجود نخواهد داشت. بگذارید دعایتان چنین باشد:

با ساختار، و بدون ساختار

در خلوت، و در جمع

مأیوس، و مسرور

کوتاه، و بلند

خودجوش، و از روی برنامه

باشد که خداوند در این هفتۀ دعا، و در تمام طول سال، شما را روح فیض، و روح تمنا عطا فرماید.